

بررسی ارتباط چند شکلی‌های C677T و A1298C ژن MTHFR با سقط مکرر

جنین

فاطمه اسکندری^{۱*}، دکتر محمدتقی اکبری^{۲،۳*}، شهره زارع کاریزی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زیست شناسی - ژنتیک، گروه زیست شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

۲. استایار گروه ژنتیک پزشکی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۳. آزمایشگاه ژنتیک پزشکی تهران - دکتر اکبری، خیابان طالقانی، پلاک ۲۵۱.

۴. استادیار گروه زیست شناسی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پیشوا، ورامین.

چکیده

سابقه و هدف: پاتوژن سقط مکرر جنین شامل عوامل متعدد ژنتیکی و محیطی می‌باشد. تغییر فاکتورهای انعقادی خون در طول بارداری، نقش مهمی در وقوع سقط مکرر جنین ایفا می‌کند. اخیراً، ترومبوفیلیایهای ارثی به عنوان عاملی برای سقط مکرر جنین شناخته شده‌اند. در مطالعه‌ی حاضر، ارتباط چند شکلی‌های C677T و A1298C ژن MTHFR با سقط مکرر جنین، مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق، ۱۰۵ خانم با ۲ یا تعداد بیشتری سقط به عنوان مورد و ۹۸ نفر با حداقل ۲ تولد موفق به عنوان شاهد مطالعه شدند. DNA ژنومی هر فرد، از لکوسیت‌های خون محیطی استخراج شد. حضور یا عدم حضور چند شکلی‌های MTHFR (C677T) و (A1298C) پس از تکثیر ناحیه‌ی اختصاصی طبق روش PCR-RFLP به ترتیب با استفاده از آنزیم‌های محدود اثر *HinfI* و *MboII* بررسی شد.

یافته‌ها: داده‌ها با استفاده از آزمون مربع کای ارزیابی شد. نتایج این مطالعه نشان داد نسبت افراد واجد ژنوتیپ‌های 677TT/677CT در خانم‌های دارای سقط مکرر جنین، بیشتر از افراد شاهد می‌باشد ($p=0/002$)، همچنین، نتایج مشابهی برای ژنوتیپ‌های 1298CC/1298AC در مقایسه با جمعیت کنترل بدست آمد ($p=0/001$). علاوه بر این، فرکانس آللی برای هر واریانت، تفاوت مشخصی را میان دو گروه مورد و شاهد نشان داد.

نتیجه‌گیری: در مطالعه‌ی حاضر، ارتباط معنی‌داری بین چندشکلی‌های A1298C و C677T ژن MTHFR و RPL مشاهده شد.

واژگان کلیدی: ترومبوفیلیا، MTHFR (C677T, A1298C)، سقط خودبه‌خودی جنین، هموسیستئین، چرخه‌ی فولات

لطفاً به این مقاله به صورت زیر استناد نمایید:

Eskandari F, Akbari MT, Zare Karizi Sh. Association of C677T and A1298C polymorphisms of the MTHFR gene with recurrent pregnancy loss. *Pejouhandeh* 2013;18(4):167-173.

مقدمه

سقط مکرر جنین تقریباً در ۱ تا ۲ درصد کل بارداری‌ها اتفاق می‌افتد (۱). عوامل متعددی در ارتباط با سندرم سقط مکرر شناخته شده که از آن جمله می‌توان به مشکلات

آناتومیکی رحم، مشکلات سیتوژنتیکی والدین، نارسایی‌های هورمونی، عوامل ایمنولوژیک و اختلالات اسپرم اشاره کرد (۲) و (۳). از میان خانم‌هایی که از سندرم سقط مکرر جنین رنج می‌برند تقریباً در ۵۰٪ موارد، علت سقط ناشناخته می‌باشد (۴). شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد ترومبوز در عروق باریک جفت می‌تواند دلیل بسیاری از سقط‌ها با علت نامشخص باشد (۵ و ۶). یک علت ترومبوفیلی، نقص در چرخه‌ی متابولیسم هموسیستئین و افزایش میزان هموسیستئین در پلاسما می‌باشد (۷). متیلن تتراهیدروفولات ردوکتاز یکی از آنزیم‌های کلیدی در متابولیسم هموسیستئین است که باعث کاتالیز ۵ و ۱۰ متیلن تتراهیدروفولات ردوکتاز

نویسندگان مسؤول مکاتبات:

*فاطمه اسکندری؛ گروه زیست شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تلفن: ۰۹۱۲۶۱۶۰۱۶۷؛ پست الکترونیکی: Fatima.eskandari@gmail.com

*دکتر محمدتقی اکبری؛ تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، گروه ژنتیک پزشکی، تلفن: ۰۹۱۲۱۵۹۸۴۰۷؛ پست الکترونیکی: mtakbari@modares.ac.ir

بوده‌اند، به عنوان مورد انتخاب شدند. انتخاب تعداد بیماران مورد مطالعه، بر اساس فراوانی آلی و سایر تحقیقات انجام شده در این زمینه بوده است (۶، ۸ و ۱۳). این زنان در طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۱ به آزمایشگاه ژنتیک پزشکی تهران مراجعه کرده بودند. در مقابل، ۹۸ خانم با حداقل ۲ تولد موفق بدون هیچ سابقه‌ای از سقط، به عنوان شاهد انتخاب شدند. میانگین و انحراف معیار سن این افراد $30 \pm 4/66$ بود. پس از دادن آگاهی و کسب رضایت‌نامه، ۵ میلی‌لیتر خون محیطی از افراد مورد و شاهد در لوله‌های حاوی EDTA گرفته شد.

بررسی ژنتیک:

با انجام روش استاندارد نمک اشباع (۱۷)، DNA ژنومیک از لکوسیت‌های خون، استخراج شد. در روش نمک اشباع، مراحل زیر انجام می‌شود:

- ۱- دو بار شستشوی خون با آب دو بار تقطیر استریل جهت لیز گلبول‌های قرمز
- ۲- شستشو با محلول شماره‌ی I (تریس-HCl، ساکاروز، $MgCl_2$ ، تریتون $100 \times$) جهت حذف گلبول‌های قرمز
- ۳- استفاده از محلول SDS+II+پروتئینازK، جهت لیز گلبول‌های سفید

۴- استفاده از نمک اشباع جهت رسوب DNA

۵- آبگیری DNA با اتانول ۷۰٪ و ۹۰٪

سپس، واکنش زنجیره‌ی پلیمرز با استفاده از پرایمرهای اختصاصی ژن‌ها (جدول ۱) انجام گرفت.

واکنش PCR در حجم ۲۵ میکرولیتر حاوی ۵۰ نانوگرم DNA ژنومیک، ۲/۵ میکرولیتر PCR Buffer $10 \times$ ، ۰/۲۵ میلی مولار از هر dNTPs، ۱/۵ میلی مولار $MgCl_2$ ، ۵-۷ ییکو مول از هر پرایمر و ۰/۵ واحد آنزیم Taq DNA polymerase (سیناژن، ایران)، صورت گرفت. تکثیر در ۳۲ سیکل، دمای ۹۴ درجه سانتیگراد به مدت ۱ دقیقه، ۶۳ درجه سانتیگراد به مدت ۱ دقیقه و ۷۲ درجه سانتیگراد به مدت ۱ دقیقه انجام شد. دناتوراسیون اولیه به مدت ۵ دقیقه در ۹۴ درجه سانتیگراد و طول‌سازی‌نهایی به مدت ۱۰ دقیقه در دمای ۷۲ درجه سانتیگراد صورت گرفت.

به ۵ متیل تتراهیدروفولات می‌شود (۸). موتاسیون در ژن MTHFR منجر به کاهش فعالیت آنزیم و افزایش غلظت خونی هموسیستئین می‌شود. همین امر سبب القای تجمع پلاکت‌ها و در نهایت، آسیب به اندوتلیال عروق خواهد شد (۹). اخیراً ۳۴ موتاسیون نادر و ۹ واریانت معمول در این ژن شناسایی شده است. شایع‌ترین چند شکلی‌های مورد مطالعه، C677T و A1298C است (۱۰). جهش C677T در اگزون ۴ این ژن اتفاق می‌افتد. این تغییر باعث تبدیل آلانین به والین در کدون ۲۲۲ در بخش N-Terminal قلمرو کاتالیتیکی و ایجاد یک پروتئین حساس به حرارت و کاهش فعالیت آنزیم می‌گردد (۱۱).

چند شکلی دیگر MTHFR، A1298C است. این تغییر موجب کاهش فعالیت آنزیم می‌شود، ولی موتاسیون حساس به حرارت نیست. این تغییر در اگزون ۷ اتفاق می‌افتد و باعث جابجایی گلوتامات با آلانین در کدون ۴۲۹ در C-Terminal قلمرو تنظیمی می‌گردد (۱۲). مطالعات زیادی به بررسی ارتباط چندشکلی‌های C677T و A1298C با سندرم سقط مکرر در زنان پرداخته‌اند (۱۰ و ۱۳). برخی از این مطالعات، ارتباط میان این عوامل با سندرم سقط مکرر جنین را نشان داده‌اند (۱۴-۱۰) ولی برخی دیگر، وجود چنین ارتباطی را نفی کرده‌اند (۱۵ و ۱۶). بنابراین، نقش چندشکلی‌های C677T و A1298C با سندرم سقط مکرر جنین، همچنان جای بحث دارد.

در این مطالعه، ارتباط چندشکلی‌های C677T و A1298C با سندرم سقط مکرر، با استفاده از PCR-RFLP در دو گروه مورد و شاهد مقایسه گردید.

مواد و روشها

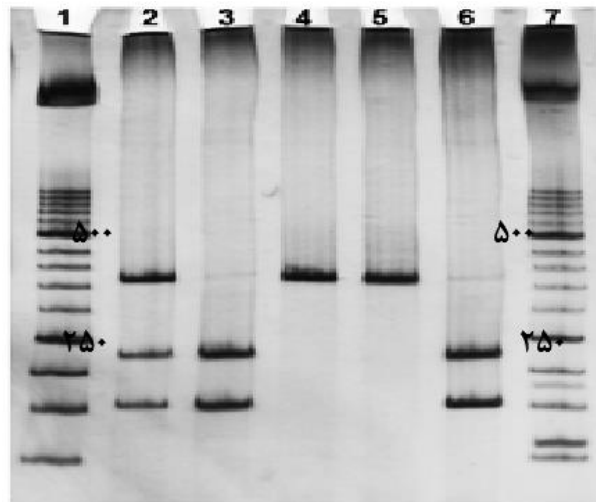
در این مطالعه، ۱۰۵ خانم مبتلا به سقط مکرر جنین با میانگین و انحراف معیار سن $27/7 \pm 5/03$ که حداقل ۲ یا تعداد بیشتری سقط قبل از هفته‌ی بیستم بارداری داشته و فاقد مشکلات آناتومیکی رحم، مشکلات سیتوزنتیکی، مشکلات هورمونی، مشکلات ایمونولوژیک و اختلالات اسپرم

جدول ۱. توالی پرایمرهای مورد استفاده و طول محصولات PCR جهت بررسی چندشکلی C677T و A1298C.

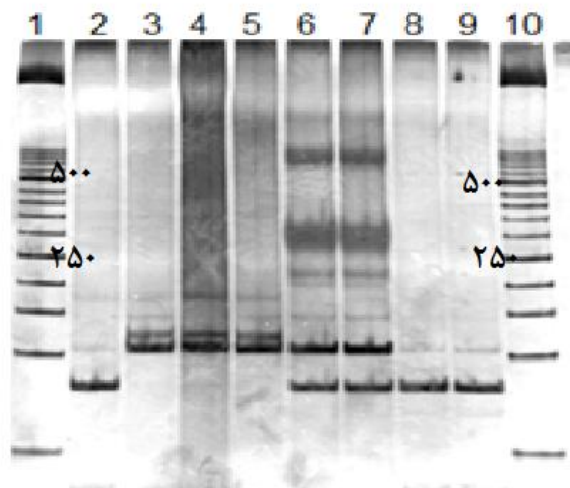
نام پرایمر	توالی پرایمر	اندازه‌ی محصول (bp)
A1298C-F	5'-GCA AGT CCC CCA AGG AGG-3'	۱۴۵
A1298C-R	5'-GGT CCC CAC TTC CAG CAT C-3'	
C677T-F	5'-AGC TTT GAG GCT GAC CTG AAG-3'	۳۸۵
C677T-R	5'-AGG ACG GTG CGG TGA GAG TG-3'	

پلی‌مورفیسم A1298C، ۱۴۵ جفت باز بود. در افراد دارای ژنوتیپ AA، محصول PCR در مجاورت آنزیم *MboII* سه قطعه‌ی ۳۷، ۷۷ و ۲۹ جفت بازی ایجاد نمود، ولی در ژنوتیپ CC، دو قطعه‌ی ۱۰۸ و ۷۷ جفت بازی حاصل گردید. محصولات PCR، قبل و پس از هضم آنزیمی، با الکتروفورز روی ژل پلی‌آکریل‌آمید (PAGE) (۱۲٪)، از هم تفکیک شده و پس از رنگ‌آمیزی با نیترات نقره، طول دقیق آنها مورد بررسی قرار گرفت (شکل‌های ۱ و ۲).

جهت شناسایی پلی‌مورفیسم‌های A1298C و C677T، محصول PCR مربوطه به ترتیب با استفاده از آنزیم‌های محدود اثر *MboII* و *HinfI* مورد هضم آنزیمی قرار گرفت. محصول PCR جهت بررسی چند شکلی C677T، طولی معادل ۳۸۵ جفت باز داشت. برش آنزیمی با *HinfI* در ژنوتیپ TT، دو قطعه‌ی ۲۳۰ و ۱۵۵ جفت بازی ایجاد نمود، در حالیکه آنزیم بر آلل C مؤثر نبوده و تنها یک باند ۳۸۵ جفت بازی روی ژل مشاهده گردید. طول محصول PCR



شکل ۱. هضم آنزیمی قطعه‌ی C677T با آنزیم *HinfI* چاهک‌های شماره‌ی ۱ و ۷: مارکر اندازه‌گیری DNA (۵۰bp)، چاهک شماره‌ی ۲: هتروزیگوت CT، چاهک‌های شماره‌ی ۳ و ۶ هموزیگوت TT، چاهک‌های شماره‌ی ۴ و ۵: هموزیگوت CC.



شکل ۲. هضم آنزیمی قطعه‌ی A1298C با آنزیم *MboII* چاهک‌های شماره‌ی ۱ و ۱۰: مارکر اندازه‌گیری DNA (۵۰bp)، چاهک‌های شماره‌ی ۶ و ۷: هتروزیگوت CT، چاهک‌های شماره‌ی ۲، ۸ و ۹: هموزیگوت نرمال و چاهک‌های شماره‌ی ۳، ۴ و ۵: هموزیگوت جهش یافته.

تحلیل آماری:

مشاهدات، وارد نرم افزار SPSS (نگارش ۱۸) شد. توزیع ژنوتیپ‌های هر موتاسیون، فرکانس هموزیگوت و هتروزیگوت در دو گروه بیمار و شاهد با استفاده از مربع کای پیرسون مورد سنجش قرار گرفت. P-value کمتر از ۰/۰۵ به عنوان سطح معنی‌داری، در نظر گرفته شد. P-value و میزان نسبت خطر (Odd's ratio) برای این افراد با سندرم سقط مکرر محاسبه گردید.

یافته‌ها

در این مطالعه، فراوانی چندشکلی‌های C677T و A1298C در ۱۰۵ خانم با سابقه سقط مکرر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از فراوانی چند شکلی C677T، در جدول ۲ ارائه شده است. فراوانی ژنوتیپی مشاهده شده در گروه‌های مورد مطالعه، از تعادل هاردی-واینبرگ (Hardy-Weinberg Equilibrium) تبعیت می‌نمود و این مقادیر به ترتیب ذیل بود: ۴۱٪ در مقابل ۶۲٪ برای ژنوتیپ CC، ۴۶٪ در مقابل

۳۱٪ برای ژنوتیپ CT و ۱۳٪ در مقابل ۷٪ برای ژنوتیپ TT. فراوانی ژنوتیپی مشاهده شده برای این پلی‌مورفیسم در گروه مورد و شاهد، ارتباط معنی‌داری را نشان داد (p=۰/۰۰۲). همچنین، فراوانی آلل‌های C و T بین دو گروه مورد و شاهد، تفاوت معنی‌داری را نشان داد (p=۰/۰۰۲).

در مورد پلی‌مورفیسم A1298C، فراوانی‌ها در زنان دارای سندرم سقط مکرر و زنان گروه شاهد، به ترتیب ۲۵٪ در مقابل ۴۸٪ برای ژنوتیپ AA، ۵۵٪ در مقابل ۳۸٪ برای ژنوتیپ AC و ۲۰٪ در مقابل ۱۴٪ برای ژنوتیپ CC بود. نتایج نشان داد که در زنان مبتلا به سندرم سقط مکرر، فراوانی ژنوتیپ‌های CC و AC به طور معنی‌داری بیشتر از افراد شاهد می‌باشد (p=۰/۰۰۱). فراوانی آلل C نیز در زنان مبتلا به سندرم سقط مکرر، به طور معنی‌داری بیشتر از افراد شاهد بود (p=۰/۰۰۳) (جدول ۳). لازم به ذکر است که فراوانی آللی و ژنوتیپی در این گروه نیز از تعادل هاردی-واینبرگ تبعیت می‌نمود.

جدول ۲. فراوانی ژنوتیپی، آللی و بررسی سطح معنی‌داری برای چند شکلی C677T در گروه مورد و شاهد.

P-value	OR(95%CI)	فراوانی آلل در کل افراد مطالعه شده		فراوانی آلل در گروه بیمار		فراوانی آلل در گروه شاهد		آلل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰/۰۰۲	۱/۹ (۱/۲۶-۳)	۲۸۶	٪۷۰	۱۳۴	٪۶۴	۱۵۲	٪۷۸	C
		۱۲۰	٪۳۰	۷۶	٪۳۶	۴۴	٪۲۲	T
P-value	OR(95%CI)	فراوانی ژنوتیپ در کل افراد مطالعه شده		فراوانی ژنوتیپ در گروه بیمار		فراوانی ژنوتیپ در گروه شاهد		ژنوتیپ
۰/۰۰۲	۱/۹ (۱-۳/۳)	۱۰۴	٪۵۱	۴۳	٪۴۱	۶۱	٪۶۲	
		۷۸	٪۳۸	۴۸	٪۴۶	۳۰	٪۳۱	C/T
		۲	٪۱۱	۱۴	٪۱۳	۷	٪۷	T/T

جدول ۳. فراوانی ژنوتیپی، آللی و بررسی سطح معنی‌داری برای چند شکلی A1298C در گروه مورد و شاهد.

P-value	OR(95%CI)	فراوانی آلل در کل افراد مطالعه شده		فراوانی آلل در گروه بیمار		فراوانی آلل در گروه شاهد		آلل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰/۰۰۳	۱/۸ (۲/۷-۱/۲)	۲۴۱	٪۵۹	۱۱۰	٪۵۲	۱۳۱	٪۶۷	A
		۱۶۵	٪۴۱	۱۰۰	٪۴۸	۶۵	٪۳۳	C
P-value	OR(95%CI)	فراوانی ژنوتیپ در کل افراد مطالعه شده		فراوانی ژنوتیپ در گروه بیمار		فراوانی ژنوتیپ در گروه شاهد		ژنوتیپ
۰/۰۰۱	۲ (۱/۱-۳/۵)	۷۳	٪۳۶	۲۶	٪۲۵	۴۷	٪۴۸	
		۹۵	٪۴۷	۵۸	٪۵۵	۳۷	٪۳۸	A/C
		۳۵	٪۱۷	۲۱	٪۲۰	۱۴	٪۱۴	C/C

بحث:

مطالعات متعددی در مورد اثر چندشکلی‌های آنزیم MTHFR بر فعالیت آنزیم و ارتباط آن به عنوان یک عامل خطر با سقط مکرر انجام شده است. از آنجا که نتایج واحدی از این مطالعات حاصل نشده است، لذا مطالعه‌ی این عامل و ارتباط آن با سقط مکرر جنین، همچنان یکی از موضوعات مورد علاقه‌ی پژوهشگران می‌باشد.

در مطالعه‌ی حاضر، فراوانی ژنوتیپ‌های جهش‌یافته (ژنوتیپ‌های CT و TT) چند شکلی C677T (جدول ۲) در گروه مورد به طور معنی‌داری بیشتر از گروه شاهد می‌باشد. نتایجی که از این مطالعه حاصل شده است، مشابه با نتایج مطالعات ترابی (۸) و بهجتی (۱۳) می‌باشد، ولی با نتایج مطالعات زنوزی که منحصراً روی جمعیت شمال غربی ایران انجام گرفته (۶)، متفاوت است. این تفاوت در نتایج، بر حسب منطقه‌ی جغرافیایی مورد مطالعه و سایر عوامل مؤثر که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد، در مطالعات دیگر نیز مشاهده شده است.

در برخی مطالعاتی که در همین رابطه انجام گرفته، وجود ارتباط بین ژنوتیپ‌های مختلف و سندرم سقط مکرر، نشان داده شده است. به عنوان مثال، در اولین مطالعات که توسط Nelen (۱۹۹۷)، Quere (۱۹۹۸) و Sarig (۲۰۰۲) انجام گرفت، ارتباط میان ژنوتیپ TT و سندرم سقط مکرر نشان داده شد (۱۸). مطالعاتی که توسط Kumar (هند، ۲۰۰۳)، Glaninger (استرالیا، ۲۰۰۴)، Couto (برزیل، ۲۰۰۵)، Guan (چین، ۲۰۰۵) و Mukhopadhyay (شمال هند، ۲۰۰۹) انجام شد نیز مؤید ارتباط ژنوتیپ‌های CC و CT با سندرم سقط مکرر جنین می‌باشد (۱۹ و ۲۰).

این در حالی است که در برخی مطالعات دیگر، ارتباط بین این پلی‌مورفیسم و سندرم سقط مکرر جنین، رد شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به Vetrisevli (جنوب هند، ۲۰۰۸)، Makino (ژاپن، ۲۰۰۶) و Wiwanitkit (مطالعه‌ی متاآنالیز در تایلند، ۲۰۰۵) اشاره کرد (۲۱ و ۲۲).

لازم به ذکر است که در مطالعه‌ی حاضر نرخ آلل موتاسیون یافته ۳۰٪ برآورد شده که بسیار مشابه نرخ بدست آمده در شمال آمریکا، اروپا و برخی از جمعیت‌های آسیایی می‌باشد (۲). بیشترین میزان شیوع آلل T در جمعیت‌های جنوب مدیترانه و جمعیت‌های اسپانیایی و شمال آمریکا گزارش شده است. این موتاسیون، در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و سیاه‌پوستان آمریکایی، نسبتاً نادر است (هوموزیگوسیتی ۱٪ یا کمتر) (۳-۵).

پلی‌مورفیسم A1298C، یکی دیگر از شایع‌ترین پلی‌مورفیسم‌های ژن MTHFR است که ارتباط آن با برخی بیماری‌های قلبی-عروقی، آنومالی‌های جفت، پره اکلامپسی و سقط مکرر جنین، بررسی شده است (۲۳). نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که چند شکلی A1298C نیز همانند C677T با سقط مکرر مرتبط می‌باشد. از میان مطالعات انجام شده در ایران، تنها در مطالعات زنوزی (جمعیت مورد بررسی ناحیه‌ی شمال غربی ایران) ارتباطی میان این چند شکلی و سقط مکرر جنین دیده نشد. مطالعات Nelen (۱۹۹۷)، Quere (۱۹۹۸) و Sarig (۲۰۰۲)، ارتباط این پلی‌مورفیسم را با سندرم سقط مکرر نشان دادند (۱۸). در مقابل، مطالعاتی که توسط Hohlagschwandtner (استرالیا، ۲۰۰۳)، Zetterberg (سودان، ۲۰۰۲) و Bae (کره جنوبی، ۲۰۰۷) انجام گرفت، ارتباط بین این پلی‌مورفیسم و سندرم سقط مکرر را رد کردند (۱، ۲۴ و ۲۵).

نرخ آلل موتاسیون یافته در مطالعه‌ی حاضر، ۴۱٪ برآورد شده که مشابه مطالعه‌ی انجام شده توسط شیخ‌ها در ناحیه‌ی یزد می‌باشد (۷). در مطالعات زنوزی و ترابی نیز این نرخ به ترتیب ۳۶٪ و ۲۰٪ گزارش شده است (۶ و ۸). نرخ بدست آمده در مطالعه‌ی حاضر و در ایران، تقریباً مشابه فرکانس آلل C1298 در اروپای مرکزی (۳۵-۲۸٪) است که در مقایسه با جمعیت‌های آفریقایی، بیشتر است. در مجموع، می‌توان گفت که مکزیک و کشورهای واقع در جنوب آفریقا، دو ناحیه‌ای هستند که کمترین فرکانس این آلل را به خود اختصاص داده‌اند.

اما این نتایج متضاد در خصوص فرکانس آلل در نواحی مختلف و ارتباط چند شکلی‌ها با سقط مکرر جنین، پیشنهاد می‌کند که نقش C677T و A1298C در سندرم سقط مکرر جنین، احتمالاً به وسیله جذب فولات در رژیم غذایی و عوامل ژئوگرافی و نژادی، تحت تأثیر قرار گرفته و فنوتیپ نهایی، حاصل برهم‌کنش این عوامل می‌باشد. در واقع، اثر SNP (single nucleotide polymorphism) بر فعالیت آنزیم MTHFR به وضعیت فولات وابسته است. جهش، احتمالاً در افرادی که غنی از فولات هستند تحمل می‌شود، ولی در افرادی که جذب فولات اندک می‌باشد، وقوع این جهش می‌تواند منجر به بروز فنوتیپ‌های بالینی یا بیوشیمیایی شود. بدین ترتیب، اختلاف میزان فولات در رژیم غذایی می‌تواند اختلاف در اثر چند شکلی‌های MTHFR بر سقط مکرر جنین در جوامع مختلف را توجیه کند (۵).

نتیجه‌گیری:

با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه، می‌توان گفت چند شکلی‌های C677T و A1298C در جمعیت مورد بررسی، ارتباط معنی‌داری با سندرم سقط مکرر جنین دارد. بنابراین با عنایت به این مطالعه و مطالعات پیشین در بررسی موتاسیون‌های مذکور در خانم‌های با سابقه‌ی سقط مکرر، می‌تواند راه گشا باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله از زحمات فراوان سرکار خانم بهمنی، سرکار خانم صراحی، سرکار خانم فرحزادی و کارشناسان محترم آزمایشگاه ژنتیک پزشکی تهران- دکتر اکبری، به جهت همکاری صمیمانه در اجرای این طرح، تشکر و قدردانی می‌نمایند. این پروژه، با حمایت مالی آزمایشگاه ژنتیک پزشکی تهران، با شماره گرانت ۹۰۰۰۱ انجام شد.

مطالعات نشان می‌دهند که میزان کم فولات در رژیم غذایی هندی‌ها و جوامع آفریقایی در مقایسه با جوامع غربی و اروپایی، آنها را برای برخی مشکلات از قبیل نقایص لوله‌ی عصبی در دوران تکوین جنین، انباشته شدن هموسیستئین و نقص در سنتز و ترمیم DNA، بسیار مستعد می‌کند. این مشکلات را می‌توان با استفاده از مکمل اسید فولیک برای خانم‌ها برطرف نمود. از طرف دیگر، پراکنش SNPها در جوامع مختلف، متفاوت است. سومین عامل موثر در توجیه نتایج متناقض در جوامع مختلف و حتی نتایج حاصل از مطالعات مختلف در یک جمعیت، اندازه، ترکیب، پراکنش جغرافیایی و قومیت جمعیت مورد مطالعه می‌باشد.

در نهایت، اثرات فنوتیپی چندشکلی‌های ژنی، به وسیله‌ی سایر عوامل ژنتیکی یا زمینه‌ی ژنتیکی فرد و عوامل محیطی، متأثر می‌گردد که بهترین مثال از میان‌کنش بخش ژن- محیط در ایجاد یک فنوتیپ است. از این رو، این امر محتمل است که چند شکلی‌ها تنها در ارتباط با یک پیش‌زمینه‌ی ژنتیکی خاص و یا همراه با عوامل محیطی می‌توانند منجر به اختلال شوند (۷).

REFERENCES

- Zetterberg H, Zafiroopoulos A, Spandidos DA, Rymo L, Blennow K. Gene-gene interaction between fetal MTHFR 677C>T and transcobalamin 776C>G polymorphisms in human spontaneous abortion. *Hum Reprod* 2003;18:1948-50.
- Boto LD, Yang Q. 5,10 methylenetetrahydrofolate reductase gene variants and congenital anomalies: review. *Am J Epidemiol* 2000;9:862-77.
- Schneider JA, Rees DC, Liu YT, Clegg JB. Worldwide distribution of a common methylenetetrahydrofolate reductase mutation. *Am J Hum Genet* 1998;62(5):1258.
- Stevenson RE, Schwartz CE, Du YZ, Adams Jr. Differences in methylenetetrahydrofolate reductase genotype frequencies, between Whites and Blacks. *Am J Hum Genet* 1997;60(1):229.
- Pepe G, Comacho Vanegas O, Giusti B. Heterogeneity in word distribution of the thermolabile C677T mutation in 5,10-methylenetetrahydrofolate reductase. *Am J Hum Genet* 1998;63:917-20.
- Zonouzi PA, Chaparzadeh N, Asghari EM, Mehrzad SM, Farzadi L, Ghasemzadeh A, et al. Methylenetetrahydrofolate reductase C677T and A1298C mutation in women with recurrent spontaneous abortions in the Northwest of Iran. *ISRN Obstet Gynecol* 2012;2012:1-6.
- Sheikhha MH, Kalantar SM, Ghasemi N, Soleimanian S. Association between MTHFR1298A>C polymorphism with RSA and IVF Failure. *Iran J Pediatr Hematol Oncol* 2012;2(3):109-13.
- Torabi R, Zarei S, Zeraati H, Zarnani AH, Akhondi MM, Hadavi R, et al. Combination of thrombophilic gene polymorphisms as a cause of increased the risk of recurrent pregnancy loss. *J Reprod Infertil* 2012;13(2):89-94.
- Trabetti E. Homocysteine, MTHFR gene polymorphisms, and cardiocerebrovascular risk. *J Appl Genet* 2012;49(3):267-82.
- Mtiraoui N, Zammit W, Ghazouani L. Methylenetetrahydrofolate reductase C677T and A1298C polymorphism and changes in homocysteine concentrations in women with idiopathic recurrent pregnancy losses. *Reproduction* 2006;131(2):395-401.
- Unfried G, Griesmacher A, Weismuller W, Nagele Fhuber JC, Tempfer CB. The C677T polymorphism of the methylenetetrahydrofolate reductase gene and idiopathic recurrent miscarriage. *Obstet Gynecol* 2002;99(4):614-9.
- Ananth CV, Peltier MR, De Marco C. Associations between 2 polymorphisms in the methylenetetrahydrofolate reductase gene and placental abruption. *Am J Obstet Gynecol* 2007;197(4):385.
- Behjati R, Modarressi MH, Jeddi-Tehrani M, Dokoohaki P, Ghasemi J, Zarnani AH, et al. Thrombophilic mutations in Iranian patients with infertility and recurrent spontaneous abortion. *Ann Hematol* 2006;85:268-71.

14. Goodman CS, Coulam CB, Jeyendran RS, Acosta VA, Roussev R. Which thrombophilic gene mutations are risk factors for recurrent pregnancy loss? *Am J Reprod Immun* 2006;56(4):230–6.
15. Carp H, Salomon O, Seidman D, Dardik R, Rosenberg N, Inbal A. Prevalence of genetic markers for thrombophilia in recurrent pregnancy loss. *Hum Reprod* 2002;17(6):1633–7.
16. Kutteh WH, Park VM, Deitcher SR. Hypercoagulable state mutation analysis in white patients with early first-trimester recurrent pregnancy loss. *Fertil Steril* 1999;71(6):1048–53.
17. Miller SA, Dykes DD, Polesky HF. A simple salting out procedure for extracting DNA from human nucleated cells. *Nucleic Acids Res* 1988;16(3):1215.
18. Mtiraoui N, Zammiti W, Ghazouani L, Jmili Braham N, Saidi S, Finan RR, Almawi WY, et al. Methylenetetrahydrofolate reductase C677T and A1298C polymorphism and changes in homocysteine concentrations in women with idiopathic recurrent pregnancy losses. *Reproduction* 2006;131:395–401.
19. Ren A, Wang J. Methylenetetrahydrofolate reductase C677T polymorphism and the risk of unexplained recurrent pregnancy loss: a meta-analysis. *Fertil Steril* 2006;86(6):1716–22.
20. Mukhopadhyay R, Saraswathy KN, Ghosh PK. MTHFR C677T and factor V Leiden in recurrent pregnancy loss: a study among an endogamous group in North India. *Genet Test Mol Biomarkers* 2009;13(6):861–5.
21. Bagheri M, Abdi Rad I, Omrani MD, Nanbakhsh F. C677T and A1298C Mutations in the Methylenetetrahydrofolate Reductase Gene in Patients with Recurrent Abortion from the Iranian Azeri Turkish. *Int J Fertil Steril* 2010;4(3):134–9.
22. Wiwanitkit V. Roles of methylenetetrahydrofolate reductase C677T polymorphism in repeated pregnancy loss. *Clin Appl Thromb Hemost* 2005;11(3):343–5.
23. Van der Molen EF, Arends GE, Nelen WL, Van der Put NJ, Heil SG, Eskes TK, et al. A common mutation in the 5,10-methylenetetrahydrofolate reductase gene as a new risk factor for placental vasculopathy. *Am J Obstet Gynecol* 2000;182:1258–63.
24. Hohlagschwandtner M, Unfried G, Heinze G, Huber JC, Nagele F, Tempfer C. Combined thrombophilic polymorphisms in women with idiopathic recurrent miscarriage. *Fertil Steril* 2003; 79(5):1141–8.
25. Bae J, Shin SJ, Cha SH, Choi DH, Lee S, Kim NK. Prevalent genotypes of methylenetetrahydrofolate reductase (MTHFR C677T and A1298C) in spontaneously aborted embryos. *Fertil Steril* 2007;87(2):351–5.